

موضوع : طرحی نو ، بنیادین و جامع در زمینه " چگونه اداره امور بانک در کشور "

پیش گفتار ، بانکداری حرفه ای است :

نخست در حوزه علوم اجتماعی	دوم وارداتی از غرب
---------------------------	--------------------

در نخستین وجه ، وجود : ابعاد گوناگون ، ماهیت بسیار پیچیده بانک ، تأثیر پذیری کنش ها و واکنشهای متقابل لایه های مختلف جامعه از یکدیگر ، استراتژی رقابت ، ویژگی ها و چالشهای جهانی شدن و سایر عوامل مؤثر بر تغییرات ایجاب می نماید که تصمیم گیری ها در مسائل بانکی ، با شناخت کامل ، جامع و آگاهی از عمق موضوع و هماهنگ بوده و تغییرات با آماده نمودن زمینه های ضروری قبلی و فضا سازی ، صورت گیرد در اینجا ذکر مثالی روشنتر خواهد بود .

از جمله قوانین مهمی که در بعد از انقلاب تصویب شد "قانون بانکداری بدون ربا" که حدود دو سال مراحل تهیه و بررسی و تصویب آن طول کشید این قانون به حق می توانست چهره ای از توان و قدرت بلا منازع قوانین الهی عرضه نماید ، متأسفانه بدلائیل پیش گفته شده شاهد عدم توفیق آن هستیم .

در وجه دوم ، وارداتی بودن بانکداری پیشرو غرب مبتنی بر: مؤلفه های نیروی کار منضبط ، سرمایه گذاری منظم و مداوم و تعهد به تحول ، یا به پای تحولات جامعه است . در آن کشورها چارچوب های سیاسی و فرهنگی نیز برای آن بستری مناسب ایجاد نموده زیرا سرمایه داری در غرب برای مردم ، از نظر فکری قابل درک ، از لحاظ هنجاری قابل پذیرش و از نظر اجتماعی قابل پیاده شدن بوده است و لذا نهادینه شدن و پیشرفت آن به طور طبیعی انجام گرفته و می گیرد . در غرب ، ابتکار ، نوآوری و تلاش میزان موفقیت را شکل می دهد . فعالیت و کارکرد تکلیف است و شغل یک وظیفه و کسب درآمد دلالت بر موفق بودن در فعالیت دارد . ولی در شرق به جهت نیازهای تاریخی ، واقعیات اجتماعی ، ماهیت سیاسی جامعه و ارزشهای فرهنگی و اصرار بر پیاده سازی عینی بانکداری غرب بستر مناسب ، همگون و مطلوب برای عملکرد بانکداری ایجاد نشده . میزان وابستگی به طبقه سیاسی و پاره ای مواقع خویشاوند سالاری ، میزان توانایی در تطبیق با خواسته های مطروحه است که موفقیت را مشخص می سازد و گاهی اوقات هر چه نفوذ سیاسی بیشتر و وابستگی به ساختار قدرت شدیدتر باشد میزان دسترسی به تسهیلات و خدمات افزون تر میشود ، بر این مینا است که اصلاحات موردی ، حتی در صورت موفقیت ، بر بستری از شن قرار دارند

راه رفع تمامی این کاستی های ارزشی ، رجوع به میانی فکری فقه پر بار شیعه است که جامعه را از همه نظر مخصوصاً در حوزه علوم اجتماعی ، نگرش به کار ، مسئولیت پذیری و خلاصه آنچه که لازمه پیشرفت و تعالی فرد و جامعه است ، تأمین می نماید .

تا کنون اقدامات انجام شده به عنوان تغییر و تحول توفیق اندک و غیر قابل توجهی داشته ، که دلیل آن را می توان ناشی از نبود یک نگرش بلندمدت برای ایجاد یک چنین تغییر زیربنایی دانست زیرا بدون ارائه الگو و نگرش مناسب ، امکان ایجاد چنین تغییری عملاً وجود ندارد

چگونگی اداره امور پول و بانک در کشور

در اولین قدم بعنوان شرط لازم ، تکلیف سیستم بانکی کشور (اعم از مالکیت دولتی یا غیر آن) از نظر جایگاه حقوقی ، حدود وظایف ، مسئولیتها ، اختیارات ، نحوه ارزیابی عملکرد ، نظارت بر آنها و چگونگی پاسخگویی سیستم در مقابل نظام حکومتی با وضوح کامل و بدون قابلیت تفسیر ، باید روشن شود و بنظر میرسد راه آن تصویب قانون جامع و مانع پولی و بانکی ، بعنوان تنها مسیر دسترسی به سیستم بانکی کشور و اینکه شمول سایر قوانین به آن ، صرفاً از طریق تغییر در این قانون بوده و به هر صورت حرفه بانکداری مشمول ضوابط دیگری نباشد . این قانون پوشش چهار وجه زیرین را داشته باشد :

۱. قسمت اول و دوم قانون پولی و بانکی فعلی کشور با انجام اصلاحاتی از جمله در ترکیب اعضاء شورای پول و اعتبار و عضویت استادان علوم اجتماعی و اقتصاد ، بصورتی که بانک مرکزی با اختیارات کافی و به دور از تداخل ، تنها سیاستگذار مستقل و حافظ ارزش پول ملی باشد .
۲. تأسیس سازمان مستقل " نظارت بر امور بانکها " جامع ، مانع و فراگیر با قوی ترین ابزارها ، وسیع ترین اختیارات و منضبط ترین دستورالعمل ها که با وسواس تمام مرز کاملاً مشخص بین نظارت و دخالت در آن دیده شود به عنوان ناظری قوی ، امین ، دقیق و مشرف بر دقیق عملکرد بانکها . این سازمان وظیفه بازرسی قانونی بانکها را نیز بعهده خواهد داشت .
۳. إحیاء مجدد قانون اساسنامه بانک ملی ایران بعنوان چارچوب فعالیت بانکها .
۴. تأسیس مجدد کانون بانکها به عنوان تنها مرجع روابط عمومی ، سخنگو ، پاسخگو ، هماهنگ کننده و داور قانونی سیستم بانکی کشور .
۵. تعیین سازمان حسابرسی به عنوان حسابرس سیستم بانکی کشور

گرچه بیان دلایل ، ضرورتها ، حدود و چگونگی اجرای هر یک از موارد فوق ، هرچند به اختصار ، به حکم “
الْغَلَامُ يَجْرُ الْكَلَامُ ” موضوعات دیگری را نیز مورد بحث قرار می دهد که در آن صورت سخن را بدرازا
می برد ولی در عین حال بنظر می رسد توضیح مختصری در مورد بند دوم و سوم لازم باشد

سازمان “نظارت بر امور بانکها”

آنچه در حال حاضر تحت عنوان “نظارت ” در مورد سیستم بانکی مطرح است از دو منظر عبارتند از :
//ف - سازمانهای رسمی ناظر (اضافه بر ادارات بازرسی و حسابرسی داخلی خود بانکها) :

دیوان محاسبات کل کشور

بازرسی کل کشور

شاخه اقتصادی وزارت اطلاعات

مدیریت نظارت بر امور بانکهای بانک مرکزی

سازمان حسابرسی

ب - سیستم های نظارتی ، بطور معمول ، به مجرد وقوع هر حادثه تخلف و یا سوء جریانی ، سعی شده با
برقراری یک سیستم نظارتی اضافی جلوی وقوع موارد مشابه گرفته شود (به قیمت پیچیدگی و کند
شدن جریان امور) اکنون به جایی رسیده ایم که کندی سیستم ، به رغم سرمایه گذاریهای هنگفت در
تجهیزات کامپیوتری ، بیشتر شده و در عین حال ، تخلفات و سوء جریانها کماکان بوقوع می پیوندد .
آنچه که در این زمینه بنظر میرسد ، استفاده از تجربیات کاملاً موفق کشورهای پیشرفته در تأسیس
سازمان مستقل نظارت بر بانکها با قوی ترین ابزارها ، وسیع ترین اختیارات و منضبط ترین دستورالعمل
ها که با وسواس تمام مرز کاملاً مشخص بین نظارت و دخالت در آن دیده شود . این سازمان وظیفه
بازرس قانونی بانکها را نیز بعهده خواهد داشت . ارکان و حدود کلی وظایف این سازمان عبارتند از :

ارکان سازمان “نظارت بر امور بانکها”

بانک مرکزی سیاستگذار پولی

دیوان محاسبات کل کشور بازوی نظارتی قوه مقننه

بازرسی کل کشور بازوی نظارتی قوه قضائیه

سازمان حسابرسی بازوی نظارتی قوه مجریه

سه نفر از میان مدیران عالی رتبه و با تجربه موفق ، در سیستم بانکی کشور

به حکم قانون هیچ مرجع دیگری حق نظارت ، حضور ، بازرسی و اخذ اطلاعات از بانکها را نداشته

باشد

اهم وظایف سازمان " نظارت بر امور بانکها "

صدور مجوز تأسیس ، ادغام و انحلال بانک ، توسعه شبکه و تغییرات بعدی علاوه بر انجام وظایف بازرسی قانونی مندرج در قانون تجارت به عنوان ناظری قوی ، امین ، دقیق باید مشرف بر دقایق عملکرد بانکها باشد .

انتصاب ، عزل اعضای شورای عالی ، مدیر عامل و قائم مقام مدیرعامل از طرف ارکان صلاحیت دار هر بانک ، باید مبتنی بر ارزیابی توانائیها ، عملکردها و ره آوردها ، با سنجش ، بر مبنای شاخصه های علمی ، توسط این سازمان باشد .

مرجع رسیدگی به تخلفات با نکها با حضور کانون بانکها به عنوان هیأت منصفه .

هرگونه تعقیب قضائی راجع به جرائم بانکی منوط به شکایت این سازمان است

ابعاد گوناگون ، ماهیت بسیار پیچیده بانک ، شبکه جهانی ، ویژگی ها و چالشهای جهانی شدن و تغییرات استراتژیک ایجاب می نماید که اصول اساسی و چارچوب های عملکرد بانک بصورت جامع و مانع در یک اساسنامه قانونی بیان شود که اساسنامه قانونی بانک ملی بدین منظور پیشنهاد می شود :

قانون اساسنامه بانک ملی ایران بعنوان چارچوب فعالیت بانکها

" ارکان بانک "

- الف - مجمع عمومی مرکب از صاحبان سهام هر بانک ، در مورد بانکهای دولتی : وزیر امور اقتصادی و دارائی ، رئیس مجمع ، رئیس سازمان برنامه و بودجه ، نایب رئیس و برای هر بانک یکی از رجال اقتصادی و مالی به معرفی دو عضو اخیر الذکر و تصویب هیأت وزیران
- ب - شورای عالی ، مرکب از پنج نفر اشخاص صلاحیت دار که توسط مجمع عمومی به مدت چهار سال انتخاب و به صورت غیر موظف انجام وظیفه می نمایند . یک فرد نمی تواند عضو ارکان در دو بانک باشد . مدیرعامل به عنوان دبیر ، در جلسات شورایعالی شرکت می نماید
- ج - هیأت عامل ، مرکب از مدیرعامل ، رئیس هیأت عامل ، قائم مقام و تا سه نفر معاون وی . مدیرعامل توسط مجمع عمومی و قائم مقام به پیشنهاد مدیرعامل و تصویب رئیس مجمع عمومی و معاونین به انتخاب مدیر عامل
- د - بازرسی قانونی : سازمان " نظارت بر امور بانکها "
- ه - حسابرسی : سازمان حسابرسی
- ه - سایر مراتب : بر اساس قانون مزبور

تغییر در ساختار، ترکیب و حیظه فعالیت بانکهای بخش عمومی

جدا از آنکه به دلایل: تغییرات تکنولوژی، سبک و کیفیت زندگی، گسترش خواستگاهها و انتخابها، مقررات زدائی دولتها و... روند تغییرات به سمت جهانی شدن می باشد، توقعات و انتظارات در حال افزایش، تکنولوژی در حال رشد و رقابت به صورت محسوس در حال افزایش است. در این شرایط هر کشور ویا سازمانی اگر بتواند انگیزه های مساعدتر و ساختارهای پویاتر تدارک کند، حداقل در مسائل درون با مشکلات کمتری روبرو خواهد بود. به عبارتی تغییر، تحول و تجدید ساختارها و ساز و کارها را شاید بتوان حرکت به سوی سکوی پرش در سطح بین الملل تلقی نمود. لذا بهینه نمودن وضعیت بانکهای دولتی، انجام اصلاحات ساختاری و بنیادی، کاملاً ضروری است که مواردی از آن را چنین میتوان بر شمرد:

۱. تعداد بانک - سمت و سوی نظم نوین "دهکده جهانی" و جهت فعالیتهای اقتصادی به سمتی می رود که حرف اول آن کارآئی و بهینه عمل کردن می باشد، در این راستا موج ادغام ها برای کاهش هزینه و افزایش بهره وری در جریان است. اکنون دنیا شاهد ادغام بانکهای قدرتمند و تولد امپراطوری های عظیم مالی با سرمایه های افسانه ای می باشد. اگر فرض کنیم کل سپرده های حدود ۶۰۰ هزار میلیارد ریالی بخش خصوصی نزد سیستم بانکی کشور را که بالغ بر حدود ۵۰ میلیارد دلار می گردد، فقط در یک بانک مجتمع نمائیم بازهم این بانک از نظر قد و قواره، راه بس طولانی برای حضور در میان آنها دارد، در صورتیکه، همین سپرده، میان این تعداد زیاد بانک تقسیم شده. حال اگر مدّ نظر بیاوریم که برای اداره این حجم سپرده، حدود ۶۰۰۰۰ هزار نفر در ستادهای مختلف بانکهای کار می کنند، عمق ناپیره وری را میتوان دریافت، بنابراین، اقدام بایسته ای که ضرورت پیدا می کند، تعدیل تعداد بانکها است.
۲. تعداد واحد - برقراری انضباط بسیار دقیق و کارآ بر گستره و تعداد واحدهای بانکها و تشویق توسعه واحدهای مجازی

۳. به رسمیت شناختن اختیارات مدیریت:

- ◀ اختیارات پرسنلی، در کلیه جنبه ها، در چارچوب ضوابط مربوط که مدیریت تعیین می کند
- ◀ چگونگی تنظیم روابط بین بانک و مشتری
- ◀ ایجاد ثبات و امنیت شغلی مدیر
- ◀ خاتمه دادن به برنامه بانکداری رایگان، پذیرفتن این حق که هر شخص و مرجعی در مقابل استفاده از خدمات و یا منابع بانک باید هزینه منصفانه آن را بپردازد

۴. بانک باید فقط بانکداری کند

الف - بانک به حکم قانون و اقتضای نظام ارزشی خود برای انجام عملیات بانکی (واسطه و جوه) بوجود آمده . ارتقای بهره وری بانک در آن است که بانک صرفاً به بانکداری بپردازد و بقیه کارهایی که تاکنون خود انجام می داده اند ولی بانظام ارزشی بانکداری همخوانی ندارد به بیرون از تشکیلات بانک واگذار نمایند

ب - قبل از تصویب قانون بانکداری بدون ربا ، به حکم قانون پولی و بانکی کشور ، مشارکت بانکها در شرکتها با ضوابط بسیار و تحت کنترل شدید بود و در نتیجه عملاً بدان نمی پرداختند ارزیابی پرداختن بانکها به شرکت داری آنست که بدلیل عدم همخوانی این فعالیت با نظام ارزشی بانکداری ، نتایج حاصله مورد تأمل است ، باید بانکها از هرگونه سرمایه گذاری معاف گردند ، متعاقباً میبایست ، تمام سرمایه گذاریهای موجود بانکها را در یک بانک سرمایه گذاری تمرکز داد و این بانک به تشکیل شرکتیهای سرمایه گذاری تخصصی و تجمع کلیه شرکتیهای سرمایه پذیر در آنها بسته به نوع تخصص اقدام نماید .

۵. نهادینه نمودن ارزیابی عملکرد در سیستم بانکی کشور

در تاریخ ایران ، به این مسئله که انتصابات بصورت نهادینه بر اساس : وجود هدف یا اهداف مشخص ، معین و واضح برای پست مورد نظر ، ارزیابی توانائیهای کاندیداها در ارتباط با حصول اهداف باشد ، دیده نشده و لذا متقابلاً میتوان انتظار داشت که عزل ویا تعویض نیز به دلیل عدم حصول به اهداف نمی توانسته باشد و نباید انتظار داشت که در چنین محیطی اصولاً رشد و پیشرفتی ملاحظه شود و یا صاحبان اندیشه و خرد توانسته باشند توانائی های خود را عرضه نمایند زیرا اسباب آن فراهم نبوده است . حال در صورتیکه ملاک انتصاب ، ارتقاء ، عزل مدیرتها بر ارزیابی توانائیها ، عملکردها و ره آوردها ، با سنجش ، تشخیص و پاسخگوئی سازمان مستقل نظارت بر بانکها (با توجه به شاخصه های علمی) قرار گیرد ، به مدیرتها در این سیستم مهم ارج گذارده می شود و در کنار آن به نسبت مسئولیتی که پذیرا می شوند و بازدهی و ره آوردهائی که تقدیم می دارند بهای آن بدون تعارف ، به آنها پرداخت شود .

در خاتمه ، بیان این نکته ، مفید می باشد که :

موارد بر شمرده شده همگی لازم و ملزوم یکدیگر می باشند و هیچیک بدون دیگری بازدهی عملیاتی مورد نظر را نخواهد داشت ، بنابراین پیاده سازی هماهنگ ، همزمان و بترتیب آن ثمر بخش می باشد ،